

ملت چین در طول تاریخ پنج هزارساله اش این موارد را بسط داده است: مفهوم انسانی عشق به همه مخلوقات چنان که گویی از نوع شما هستند و [عشق به] همه مردم چنان که گویی برادران شما هستند؛ فلسفه سیاسی بها دادن به فضیلت و تعادل؛ رویکرد صلح آمیز عشق، عدم پرخاشگری و حسن همجواری؛ اهمیت والای ایده صلح و هماهنگی بدون یک شکلی و نیز رفتار شخصی در قبال دیگران به نحوی که دوست دارید با شما رفتار شود و کمک به موفقیت دیگران با همان روحیه ای که می خواهید خودتان موفق شوید.

پیشرفت می کند، درحالی که دیگر حیوانات برای همیشه در وضعیتی غیرمتمدنانه باقی می ماندند. قراردادهای و تشریفات آداب معاشرت شرقی و غربی ممکن است متفاوت باشند، اما ملاحظه چنین آداب و رسوم یک هنجار اجتماعی مشترک است.

در آغوش گرفتن آزادی در کنار به رسمیت شناختن اجتماعی آداب، مدنیت انسانی را بهبود خواهد بخشید و در نتیجه خطر مناقشات خشونت آمیز میان انسان ها را کاهش خواهد داد. الیسون درباره برخورد تمدنی بالقوه میان چین و ایالات متحده به دلیل «تفاوت های عمیق بین تصورات آمریکایی و چینی از دولت، اقتصاد، نقش افراد، روابط میان ملت ها و ماهیت زمان» ابراز نگرانی کرده است.^{۵۷} او خاطرنشان می کند که «فرهنگ چینی فردگرایی به سبک آمریکایی، که جامعه را بر اساس نحوه حمایت از حقوق و تقویت آزادی افراد ارزیابی می کند، نمی ستاید»؛^{۵۸} با این حال چیزی که او در نمی یابد، این است که فرهنگ چینی از به رسمیت شناختن آداب برای جلوگیری از خشونت اجتماعی، که پیامد آزادی فردی است، حمایت می کند. اگر دولت های در حال ظهور و دولت های مسلط، رقابتشان بر سر قدرت بین المللی را مطابق با اصل مدنیت پیش ببرند، چنین رقابتی صلح آمیز و احتمالاً سالم خواهد بود. دولت ترامپ چین را رقیب اصلی ایالات متحده توصیف کرده است، چنان که در استراتژی امنیت ملی آن نیز اشاره شده است؛^{۵۹} این توصیف نشان می دهد که به شدت لازم است این دو غول راه هایی را برای تنظیم رقابتشان به شیوه ای متمدنانه در پیش بگیرند.

در قرن ۲۱، نوآوری برای انباشت ثروت به اولویت تبدیل شده است. امری که به طور چشمگیری نیاز به کنترل منابع طبیعی، به عنوان بخشی از رقابت قدرت میان دولت های در حال ظهور و مسلط را کاهش می دهد؛ بنابراین این امکان برای چین و ایالات متحده وجود دارد که هنجارهای مدنیت را مستقر کنند تا این هنجارها رقابت آن ها برای سلطه جهانی را به شیوه ای صلح آمیز تنظیم کنند. تغییر قدرت جهانی در طول تاریخ اغلب با جنگ هایی بین دولت های در حال ظهور و مسلط همراه بوده است که از مظاهر کلاسیک نامتمدن بودن جامعه بین المللی به شمار می روند. استقرار هنجارهای بین المللی مطابق با ارزش مدنیت به کاهش خطر جنگ بین همه دولت ها، از جمله قدرت های در حال ظهور و مسلط، کمک خواهد کرد. تبلور ارزش مدنیت در بحبوحه استقرار هنجارهای بین المللی جدید نه تنها از لیبرالیسم فراتر می رود، بلکه موجب ارتقای تمدن بشری نیز می شود.

اصل منزلت انسان

در بخش پیشین به این موضوع پرداختیم که چگونه ترکیب ارزش های لیبرالیستی و ارزش های